

## The Role of the Concept of Quranic Moderation in Thinking Style and Educational Characteristics

### ARTICLE INFO

**Article Type**  
Research Article

#### Authors

Sayed Mahdi Niarais<sup>1</sup>  
Zohreh Saadatmand<sup>2\*</sup>  
Jahanbakhsh Rahmani<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Sayed Mahdi Niarais, Zohreh Saadatmand, Jahanbakhsh Rahmani, The Role of the Concept of Quranic Moderation in Thinking Style and Educational Characteristics, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2022;6(3):438-446.

1. PhD student in Philosophy of Education, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran
2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

#### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: saadatmand.zohre@gmail.com

#### Article History

Received: 2022/08/02  
Accepted: 2022/10/27

### ABSTRACT

**Purpose:** The theory of moderation in the field of ethics is considered one of the interpretations of virtuous ethics. In this perspective, moderation in the Quran is a discourse. The sublime signifier in this discourse is balance and comprehensive balance and other floating signs are articulated and defined around it.

**Materials and Methods:** Collecting the required information is also a library-documents.

**Findings:** The article aims to achieve its goal with the method of thematic analysis and interpretation and the use of various coding methods and using the theoretical framework of Mulla Sadra's Tashkik, which is to examine the moderation in Quranic teachings in order to prepare the preparations for providing educational requirements. Discussion and

**Conclusion:** The result of the article is that the educational attitude of Quranic moderation provides the basis for the balanced growth of all spectrums of society and the proper realization of social values.

**Keywords:** Moderation, Quranic Teachings, Educational Field, Central Rationality, Pluralism of Thought, Human Dignity

## نقش مفهوم اعتدال قرآنی در سبک تفکر و شاخصه های

## تربیتی

سید مهدی نیارنئیس<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

زهره سعادت‌مند<sup>۲</sup>\*

دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

جهانبخش رحمانی<sup>۳</sup>

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

## چکیده

هدف: نظریه اعتدال در حیطه اخلاق از تقریرهای اخلاق فضیلت طلبانه به شمار می‌آید. در این منظر اعتدال‌گرایی در قرآن یک گفتمان است. دال متعالی در این گفتمان تعادل و توازن همه‌جانبه است و دال‌های شناور دیگر حول آن مفصل‌بندی و معنایابی می‌شوند.

مواد و روش‌ها: جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز نیز کتابخانه‌ای-اسنادی است.

یافته‌ها: مقاله با روش تحلیل و تفسیر موضوعی و بهره‌گیری از انواع روش‌های کدگذاری و با استفاده از چارچوب نظری تشکیک ملاصدرا در پی دستیابی به هدف خود یعنی بررسی اعتدال در آموزه‌های قرآنی به‌منظور تمهید مقدمات برای ارائه استدلالات تربیتی است.

نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله آن است که نگرش تربیتی اعتدال قرآنی زمینه رشد متوازن همه طیف‌های جامعه و تحقق مناسب ارزش‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: اعتدال، آموزه‌های قرآنی، ساحت تربیتی، عقلانیت محوری، تکثر اندیشه، کرامت انسانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵

\*نویسنده مسئول: saadatmand.zohre@gmail.com

## مقدمه

تربیت در فرهنگ‌های فارسی به معنای پروراندن، پروردن و آموختن آمده است (۱). این واژه در لغت از رب در اصل به معنای پرورش است؛ یعنی ایجاد حالتی پس از حالت دیگر در یک چیز تا آن چیز به نهایت مطلوب خود دست یابد و شکوفایی حاصل شود (۲-۳).

تربیت از لحاظ مفهومی در اصطلاح منطقی تعریف واحدی ندارد. اندیشمندان هر کدام بر اساس دیدگاه خود در باب هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و به طور کلی فلسفه تربیتی خویش تعریفی از تربیت ارائه داده‌اند. شهید مطهری تربیت را پرورش استعداد‌های درونی بالقوه و به فعلیت رساندن آن‌ها دانسته است (۴). قرآن به عنوان کتابی که شامل آموزه‌های وحی شده بر پیامبر اسلام است در وهله‌ی اول کتابی اخلاقی تربیتی است. در برآیند کلی از این کتاب، مهم‌ترین ویژگی در رفتارهای انسانی، برای تحقق زیست اخلاقی، اعتدال یا توازن‌بخشی به زندگی است. به گونه‌ای که اعتدال‌گرایی در قرآن، یک گفتمان به معنای مجموعه‌ای از نشانه‌های فصل‌بندی شده و پیوندیافته تعریف شده است. باید توجه داشت که مفهوم گفتمان شامل مجموعه گسترده‌ای از داده‌ها می‌باشد که حول محور اصلی، تحت عنوان دال مرکزی صورت‌بندی می‌شوند (۵).

واژه اعتدال از ریشه «عدل» گرفته شده و در لغت به معنای حد و وسط و میانه‌روی است (۶). میانه‌روی، همان‌گونه که از نامش پیداست، به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دو سوی افراط و تفریط است.

نظریه اعتدال یکی از انواع نظریات اخلاقی فضیلت است که افلاطون و ارسطو نظریه پردازان اصلی آن در یونان باستان بودند. این نظریه به دلیل سازگاری با متون دین اسلام، نزد فیلسوفان و علمای اخلاق اسلامی رواج زیادی یافته به نحوی که اغلب اندیشمندان اسلامی چون فارابی، ابن‌سینا، فخر رازی، غزالی، مسکویه، خواجه نصیر طوسی و ملاصدرا از این نظریه استقبال کرده‌اند. هسته اصلی نظریه اعتدال قاعده‌ی حد وسط زرین است که بر اساس آن فضیلت اخلاقی به اعتدال و میانه‌روی تعریف شده است و همه فضایل اخلاقی به لحاظ وجودی بین دو ردیلت افراط و تفریط در نظر گرفته می‌شوند.

البته اعتدال و حد وسط ارسطویی، همیشه یک امر انعطاف‌ناپذیر عددی نیست (۷). ارسطو خود به این نکته ملتفت است از آنجا که افراط و تفریط دو مفهوم کمی هستند، به کارگیری این قاعده برای امور غیر کمی روا نیست؛ از این‌رو وی برای امور کیفی و غیر کمی، قاعده اعتدال را به شکل دیگری بیان می‌کند که در آن اعتدال به معنای تناسب و توازن و عمل متناسب با شرایط و موقعیت یا به تعبیر دیگر، عمل به شیوه درست است. چنانچه در کتاب تربیتی اخلاق نیکوماخوس اهداف تربیتی میانه‌روی، هماهنگی و توازن به عنوان هسته ارزش‌شناسی یک نظام تربیتی مورد تأکید ارسطو قرار گرفته است (۸).

کلمه اعتدال در قرآن نیامده، اما مفهومی آن با کلماتی همچون «وسط» (بقره: ۱۴۳)، «قصد» (لقمان: ۱۴)، «سواء» (قصص: ۲۲): «قوم» (فرقان: ۶۷) و «حنیف» (آل‌عمران: ۶۷) در قرآن بیان شده است (۹).

می‌شود که همگی در اصطلاح فلسفی اختلاف تشکیکی نامیده می‌شوند (۱۷). در تشکیک، حقیقت واحدی در عین حفظ وحدت خود، کثرت می‌پذیرد چراکه کثرت آن نیز به همان حقیقت واحد است نه به امری خارج از ذات حقیقت، به گونه‌ای که وحدت آن حقیقت خدشه‌دار شود (۱۸) بر مبنای چنین نگرشی همه مراتب وجودی یگانه‌اند و تفاوت عالی و دانی در شدت و ضعف یا نقص و کمال آن است یعنی وجه اشتراک و امتیاز آن همان حقیقت اوست. در چنین خوانشی شدت و ضعف مقوم مرتبه وجودی است اما نه شدت می‌تواند مقوم اصل وجود باشد و نه ضعف می‌تواند تأثیری در صدق مفهوم وجود بر موجود ضعیف داشته باشد. اصل حقیقت وجود دارای مراتبی است که این مراتب از آن اصل واحد ظهور یافته‌اند. ملاصدرا در بیان دیدگاه خود به آیاتی از قرآن از جمله «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴) تمسک می‌جوید (۱۹).

چنانچه ذکر شد بن‌مایه معنا شناسانه الگوی اعتدال، توازن‌بخشی و تقارن‌سازی در یک الگوی جامع است. این سازواری هم با میانه‌پذیری و هم با میانه‌ناپذیری به فراخور هم‌نشینی و همسو می‌شود؛ زیرا در اعتدال سخن از «تقریب» و «نه تدقیق» است. تقریبی بودن پدیده‌ها بیانگر «مدرج» و «ذومراتب بودن» آن‌ها است که این نحوه خوانش از اعتدال آن را با «نظریه تشکیک» پیوند زده و رابطه معناداری بین آن‌ها برقرار می‌کند. بر این اساس ما در این مقاله بیشتر از نظریه تشکیک ملاصدرا در تفسیر و تبیین نگرش اعتدال قرآنی بهره خواهیم برد.

در چارچوب درون‌باشی دینی، اعتدال در نسبت با تشکیک می‌تواند باورمندان به دین الهی را در گستره جامعه و عرصه سیاست با حقیقت مدرج و پذیرش ذومراتب بودن آنان مورد توجه و تأیید قرار دهد و از دلالت‌های یک سویه که مانع از درک و پذیرش دیگری و عامل تحمیل عقیده است جلوگیری به عمل آورد. چنین نگرشی و تعمیم نظریه تشکیک به عرصه اجتماع و سیاست به خوبی با پذیرش تنوع و تکثر اندیشه‌ها و لزوم حفظ و ارتقاء کرامت انسانی سازگار بوده و زمینه تحقق موارد فوق به عنوان استلزامات تربیت اعتدال قرآنی را فراهم می‌کنند.

کاربست روش‌شناسانه تشکیک با در نظر گرفتن خصوصیات چون مدرج بودن حقیقت، ذومراتب بودن پدیده‌ها با دامنه‌ای از «کمال و نقص» و «نه کمال و نفی»، برخوردار بودن آن‌ها از کثرت در عین وحدت، می‌تواند با مفهوم اعتدال در معنای توازن، میانه‌روی و گریز از افراط و تفریط و قطبیت، سنخیت و موضوعیت پیدا نماید. در نتیجه، نظریه تشکیک با قبول امکان دستیابی مشارکت‌جویانه بر پایه بنیان‌های معرفتی‌اش، در عرصه تربیت اجتماعی و سیاسی از این ظرفیت برخوردار است به جای رفتارهای افراط‌گرایانه و یکسویه، با محوریت نگرش عقلانی به جای تحمیل عقیده با پذیرش تنوع و تکثر اندیشه بر درک متقابل و گفتگوی زیاد تکیه کند و اینگونه در جهت حفظ و ارتقاء کرامت انسانی بکوشد. در ادامه شاخصه‌ها و استلزامات تربیت اعتدال قرآنی در ساحت اجتماعی و سیاسی مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

## ۲- عقلانیت محوری

تربیت اسلامی یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین بخش معارف اسلامی بعثت پیامبران است. تا آنجا که می‌توان گفت فلسفه نهایی بعثت، بالفعل نمودن انسان بالقوه و تربیت انسان است. این هدف عمدتاً از طریق رفع موانع و ایجاد زمینه مساعد برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته انسان انجام می‌شود. هدف کلی در نظام تربیت اسلامی، کمال انسانی است (۱۰).

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای فلسفه تعلیم و تربیت شش ساحت در نظر گرفته شده است. ساحت اجتماعی و سیاسی یکی از این شش ساحت است که بسیار نیازمند به الگوی اعتدال است زیرا این ساحت مربوط به حوزه معاشرت اجتماعی و تعاملات سیاسی می‌باشد (۱۱).

مقاله حاضر با عنایت به همین ساحت اجتماعی و سیاسی به دنبال واکاوی استلزامات تربیتی در آموزه‌های قرآنی با نگاه اعتدال محور است.

## ۱- چارچوب نظری در فهم اعتدال: نظریه تشکیک

چنانچه ذکر شد تحلیل درست از قاعده اعتدال ارسطو این است که «اعتدال» را چه در حوزه اعمال و چه در حوزه عواطف به «تناسب و توازن»، تفسیر کنیم. ممکن است این حد مناسب، به لحاظ میزان و اندازه در یک موقعیت، مطابق وسط اما در موقعیت دیگر، مطابق فزونی یا کمی باشد. این تفسیر از سوی شارحان، تفسیر توازنی خوانده شده است (۱۲).

«تفسیر توازنی» از قاعده اعتدال ارسطو، ما را از وجهی به سوی «نظریه تشکیک ملاصدرا» رهنمون می‌کند. به ویژه آنکه فهم گفتمان اعتدال قرآنی از جانب نظریه حکیم شیعی می‌تواند رهگشا تر باشد. تشکیک در لغت به معنای تردید است و زمانی که چیزی شبه‌دار و شک برانگیز شود به کار می‌رود (۲). مشکک در اصطلاح فلسفی کلی‌ای است که صدق آن بر افرادش متفاوت است یعنی نسبت به برخی شدید و نسبت به برخی ضعیف است. در چنین حالتی این شک به وجود می‌آید که این کلی مشترک لفظی است یا معنوی؟ (۱۳).

ملاصدرا نظریه تشکیک خاصی را بر پایه آموزه‌های سهروردی استوار نمود و وجوه تمایز اشیاء را با تمرکز بر اتحاد مابه‌الامتیاز و مابه‌الاشتراک دانست. تمثیل رایجی که بعدها مورد اشاره ملاصدرا نیز قرار گرفت آن بود که نور یک شمع و نور خورشید هر دو در نوریت با یکدیگر مشترک‌اند و از سویی تمایز آن دو نیز به واسطه‌ی همان نور است (۱۴). حال ملاصدرا بر مبنای استدلال تمثیلی، کل واقعیت هستی را مانند نور می‌داند. در چنین توصیفی نه مرتبه ضعیف آن، نور آمیخته به ظلمت است و نه مرتبه قوی آن، چیزی غیر از نور است. پس واقعیت هستی در عین حال که گوناگون و مختلف به نظر می‌آید یکی است (۱۵).

با توجه به مشی اصالت وجودی ملاصدرا- چیزی غیر از وجود، تحقق ندارد- هر یک از مراتب تشکیک وجود دارای شدت و ضعف‌اند که این مراتب وجودی در ارتباط با یکدیگر بوده و مراتب پایین از شدت کمتر و مراتب بالا از شدت وجودی بیشتری برخوردارند (۱۶) امتیاز و اختلاف علاوه بر شدت و ضعف شامل تقدم و تأخر، زیادت و نقصان، اقلیت و اکثریت، اولیت و آخریت

الْأَلْبَابِ» (قرآن الحکیم، رعد: ۱۹) «هُدًى وَ ذِكْرٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (قرآن الحکیم، غافر: ۵۴) و از طرفی ایمان اجباری اگر امکان پذیر هم باشد به هیچ وجه مطلوب نبوده و به نوعی نقض غرض است (۹).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۲۵ سوره نحل «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (قرآن الحکیم، نحل: ۱۲۵)، سه طریقه «حکمت»، «موعظه» و «جدل» را که خدا برای دعوت بیان کرده با سه طریقه منطقی یعنی «برهان»، «خطابه» و «جدل» منطبق می‌داند. البته آیه شریفه درباره جایگاه و کاربرد این سه طریقه ساکت است و تشخیص موارد را به عهده خود دعوت کننده گذاشته است. می‌توان گفت نوع استفاده برحسب فهم و استعداد پذیرفتن حق است. بعضی از افراد خاص که دارای دل‌هایی نورانی هستند و با استعدادترند و با علم و یقین الفت دارند و زود مجذوب حقایق عقلی می‌شوند دعوتشان باید از راه حکمت یعنی برهان صورت گیرد؛ اما بعضی از عوام که دل‌بستگی‌شان بیشتر با رسوم و عادات است اگرچه برهان را نمی‌پذیرند اما دشمن با حق نیز نیستند اینگونه اشخاص را باید با موعظه حسنه دعوت به دین نمود. اما در مورد کسانی که معاند و لج‌بازند باید از راه مجادله وارد شد (۲۶).

چنین شیوه تربیتی عقل محوری کاملاً با جبر و تحمیل عقیده در تقابل است و به اصطلاح منطقی مانع‌الجمع است. از سوی دیگر بستر مناسبی برای پذیرش تنوع و تکثر اندیشه خصوصاً در ابعاد سیاسی-اجتماعی فراهم می‌آورد. در ادامه به بررسی و تحلیل دو شاخصه و استلزام تربیتی مبتنی بر عقل‌محوری که شامل «عدم تحمیل عقیده» و «پذیرش تنوع و تکثر اندیشه» است می‌پردازیم:

#### ۲-۱ عدم تحمیل عقیده

تعلیم و تربیت امری معطوف به حوزه انسانی است و هدف اصلی آن ساختن انسان‌هاست و ساختن انسان چیزی نیست که قابل تحمیل به او باشد بلکه عمده کار برداشتن موانع است. چنانچه پیش‌تر ذکر شد تربیت فرآیند شکوفا کردن استعدادهایی است که به صورت نهان در نهاد انسان وجود دارد (۲۷). خدای متعال همه استعدادهای الهی شدن را در نهاد انسان‌ها قرار داده است؛ اما غفلت‌ها و موانع فردی و اجتماعی نیز سر راه این تکامل وجود دارد. هنر تعلیم و تربیت این است که این موانع را رفع نماید تا انسان بتواند با خودشناسی در مسیر شکوفایی حرکت کند. بر این مبنا در تربیت اصیل قرآنی تحمیلی در کار نیست؛ چون اخلاق انسانی و ارزش‌های الهی را نمی‌توان با تحمیل جا انداخت و در وجود کسی نهادینه کرد. شأن تربیتی ارسال رسل در قرآن «بشارت» و «انذار» است: «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ» (قرآن الحکیم، انعام: ۴۸ و کهف: ۵۶) (۹).

در سند مبانی نظری تحول بنیادین نیز از پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام برای تشکیل و پیشرفت جامعه صالح نام برده شده است و بر مدارا و تحمل عقاید مخالف و خرده فرهنگ‌ها در سطح ملی و جهانی تأکید کرده است. چرا که در این سند «استدلال» بر «تعبد» اولویت دارد (۱۱).

حکما در معنای معرفت‌شناسی، عقل را به مرتبه‌ای از قوای نفس انسانی که با ادراک کلیات، تمایز انسان از سایر حیوانات است تعریف کرده‌اند (۲۰). عقل را می‌توان اصلی‌ترین سرمایه درونی انسان دانست. اساساً پاسخ به اینکه چه کاری اعتدالی است؟ به تشخیص صحیح عقل برمی‌گردد که بدون در نظر گرفتن آن همه افراد خود را اعتدالی دانسته، جاهل و افراط‌گر و تفریط‌کار نمی‌خوانند. پس اعتدال نیز ره‌آورد عقل است. در معناشناسی لغوی عقل از عقال گرفته شده است و در اصل به معنای بستن، نگه‌داشتن، امساک و در ارتباط با انسان به معنای خود نگهداری و حبس نفس است (۲۱).

اصولاً شأن عقل، اعتدال است و شأن جهل، عدم اعتدال، یعنی انسان عاقل انسانی متعادل است و انسان جاهل غیر متعادل، امام علی (ع) درباره انسان جاهل همین شأن را بیان می‌فرماید: «لاتری الجاهل الا مفرطاً أو مفرطاً؛ جاهل را نمی‌بینی، مگر این که یا افراط می‌کند و یا تفریط (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۰) امام علی در باب اهمیت بی‌ظنیر عقلانیت در زندگی فرموده‌اند: «لا یستعان علی الدهر الا بالعقل»؛ بر مسائل روزگار نمی‌توان فائق آمد مگر با کمک عقل (۲۲-۲۳). با این نگاه در سند تحول در کنار معیارهای اسلامی بر خردورزی و عقلانیت محوری تأکید زیادی شده است: «درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه، نیازمند روبرویی خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی است» (۱۱).

اگرچه در قرآن واژه عقل به کار نرفته است ولی مشتقاتی مانند تعقلون و یعقلون حدود پنجاه مرتبه استفاده شده است. عقل در آیات و آموزه‌های قرآنی هم به عنوان منبع معرفت و هم روش معرفت-شناسی ایفا نقش می‌کند. از طرفی در نگرش فلسفی هر موضوعی با مباحث عقلی عجین شده است. از مباحث خاص فلسفه صدرایی در مخالفت با نگرش تک بعدی می‌توان به اصل «موازنه بین محسوس و معقول» اشاره کرد. ملاصدرا معتقد است که در کتاب الهی موازن کل علوم موجود است و می‌توان موازنه و تعادل بین محسوس و معقول را از آن اخذ کرد (۲۴).

اساساً نوع رویکرد مواجهه تفکر فلسفی با متن قرآنی از نوع عقل محوری است. در این رویکرد منطبق قرآن سراسر، منطبق دلیل و عقلانیت است و همه جا از صاحبان عقاید می‌خواهد تا بر اثبات عقیده خود برهان آورند: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (قرآن الحکیم، بقره: ۱۱۱). همچنین در آیات بسیاری از قرآن مجید، دعوت به تعقل و تفکر شده است و همواره تعلیم و تعلم مورد ستایش قرار گرفته است. چنانچه قرآن، تبیین آیات الهی را به منظور تعقل مردم می‌داند (قرآن الحکیم، بقره: ۷۳ و ۲۴۲) و سهم متفکران را راه یافتن به واقع آیات الهی و استفاده از آن‌ها می‌شمارد (قرآن الحکیم، بقره: ۱۶۴) (۹).

با توجه به اینکه تربیت اساساً یک فرایند تعاملی و دوجانبه است. استدلال به هر میزان که بتواند متربی را به جنبش واداشته و باعث شود تربیت از حالت انفعالی و یک جانبه دور شود و اثرگذارتر می‌شود (۲۵). البته به این نکته نیز باید توجه داشت که حتی استدلال انبیا برای ایمان آوردن مردم باید با مقبولیت اختیاری خودشان همراه باشد زیرا شأن نبی، تذکار است «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا

قرآن نه تنها کثرت‌ها و تفاوت‌ها را مورد انکار قرار نمی‌دهد بلکه آن‌ها را در سلسله مراتب نظام اندیشگی اجتناب‌ناپذیر بر شمرده است: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ» (قرآن الحکیم، حجرات: ۱۳) اگر پروردگارت می‌خواست، همه مردم را یک امت (بدون هیچ‌گونه اختلاف) قرار می‌داد، ولی آن‌ها همواره مختلفند (قرآن الحکیم، هود: ۱۱۸). پس وجود تکثر و تنوع اجتماعی یک خواست الهی است. در این آیه، قرآن به تعبیر منطقی از یک استدلال قیاسی رفع تالی استفاده کرده است.

بر اساس آموزه‌های قرآنی انسان تربیت‌یافته و به اعتدال رسیده، هنگامی که در مناصب قدرت قرار می‌گیرد، قیم مأبانه و متکبرانه رقبایش را، با نگاه طرد و نفی نظاره نمی‌کند: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (قرآن الحکیم، نساء: ۹۴) چنین رویکردی برخاسته از نگاه تشکیکی و طیفی به افراد و گروه‌های جامعه است که باعث پذیرش تکثر آراء مختلف در یک چارچوب منطقی می‌شود.

چنین به نظر می‌رسد که اجتماع ملت، باسلیقه‌های گوناگون و نگرش‌های متفاوت با یک تربیت معتدل زمانی حاصل می‌شود که پرهیز از انحصارطلبی، اذعان به تکثر فهم و تشکیک حقیقت نزد همگان صورت پذیرد. به عنوان مثال مفهوم توحید به عنوان هسته اصلی و دال مرکزی در ادیان الهی می‌تواند به عنوان عنصری وحدت‌بخش، در گستره‌ای از عام تا خاص با برخورداری از سلسله مراتب کثرت بخش خود و برحسب شرایط یعنی اکثریت و اقلیت جامعه بدون نفی دیگری مورد تفسیر و توجه قرار گیرد. همچنان که قرآن از این ظرفیت در برابر اهل کتاب بهره برده است و آنان را به تجمیع در برابر اطاعت از خدا و اجتناب از طاغوت دعوت کرده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ» (قرآن الحکیم، آل‌عمران: ۶۴). مفسرین، آیه مذکور را، تبیین یک روش اعتدالی دانسته‌اند که خداوند به عنوان روش تعامل با اهل کتاب، برای دعوت به راه اعتدال، به پیغمبر اکرم که نماد اعتدال است، سفارش کرده و آن را «کلمه سوا» نامیده است که ناظر بر فرهنگ معتدل و مشترک الهی بوده و باور و عمل به آن، برای همه نافع و سودمند است (۹، ۲۹).

اینکه ایمان در مجموعه‌ای از درجات قرار دارد بیانگر آن است که در خصوص ایمان‌ورزی، هر فردی از مؤمنین، از مرتبه‌ای از ایمان برخوردار است «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (قرآن الحکیم، حجرات: ۱۰) که می‌تواند در نسبت با دیگری کمال یا نقص تلقی شود اما با عنایت به نظریه تشکیک این نقص ایمان به مفهوم نفی ایمان قلمداد نمی‌شود؛ زیرا تمرکز در این رویکرد بر «بقا و نقص» است «نه فنا و نفی». به طور کلی اسلوب و روش گفت و شنود در اسلام بر نقاط مشترک تکیه دارد و این نحوه به کارگیری زبان و احساس مشترک در جریان تربیت سبب نزدیکی افکار و ایجاد تفاهم و مهم‌تر از همه حفظ و ارتقاء کرامت انسانی می‌شود.

### ۳- حفظ و ارتقاء کرامت انسانی:

کرامت در لغت به معنای بزرگواری شدن و شرافت و حرمت داشتن است (۳۰). لغت‌شناسانی مانند قریشی واژه کرامت را به صورت سلبی در مقابل واژه ثامت آورده‌اند (۳۱). این بیان تقابل، حاکی از

در تعاملات اعتدال‌مدار اسلامی، توهین و ناسزاگویی حتی نسبت به دشمنان، محکوم و ممنوع است، قرآن حتی به مؤمنان اجازه نداد بت‌های بت‌پرستان را سب کند تا چه برسد به اینکه حرمت جان و مال آن‌ها را صرفاً چون بت‌پرست بودن از بین ببرند (قرآن الحکیم، انعام: ۱۰۸) (۹).

بی‌قراری و از جاشدگی از مفاهیم نظریه گفت‌مان هستند که اشاره به بحران‌ها و حوادثی دارد که هژمونی و تسلط گفت‌مان حاکم را به چالش می‌کشد. بی‌قراری‌ها عمدتاً حاصل نگاه نفی و حذف کثرت در جامعه است. پیامد اجتماعی و سیاسی این نگاه رشد خصومت و ظهور غیریت در جامعه است (۲۸). برتری‌جویی و یکسان‌خواهی افکار، در منطق دین، محکوم است و اسلام، از تفاوت اندیشه‌ها و نظرات گوناگون، به صراحت طرفداری و استقبال می‌کند و آن را، راهی مؤثر برای دستیابی به حقیقت - که آن هم مشکک و ذومراتب است - به حساب می‌آورد. این بیان به معنای نسبی بودن حقیقت نیست بلکه بدان معناست که حقیقت نزد آراء مختلف پراکنده شده است.

تضارب آراء و استقبال از نظرات مختلف، راهبردی مهم برای رسیدن به حقیقت و برقراری اعتدال در عرصه متنوع اجتماع است؛ از این رو، خداوند، به پیامبر می‌فرماید: «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ» (قرآن الحکیم، ق: ۴۵) تو بر آنان چیره نیستی تا به اجبار، به ایمان و ادارشان کنی. در عوض آیات زیادی راهبرد تربیتی انبیاء در هدایت جامعه را بر محور «مبشر» و «نذیر» بودن آن‌ها دانسته است: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (قرآن الحکیم، احزاب: ۴۵)؛ «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ» (قرآن الحکیم، رعد: ۷)؛ «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (قرآن الحکیم، نساء: ۱۶۵)؛ «إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (قرآن الحکیم، اعراف: ۱۸۴) (۹).

در منطق قرآنی حتی بر خواسته حق و صحیح، جبر و تحکم روا نیست. این برای آن است که حتی در صورت تحقق چنین امری این رویکرد در راستای اهداف تربیتی اصیل و متوازن اسلامی نیست. بر این مبنا است که این سخنان امام علی (ع) در نامه مشهور ۵۳ خطاب به مالک قابل فهم می‌شود: ای مالک! هرگز نگو، من منصوب امام هستم و اطاعت از من واجب است. این روحیه، قلب انسان را ویران و چهره‌ی دین را، مخدوش و حاکمیت را، دستخوش تغییر نامطلوب می‌گرداند. امام در همین نامه در باب اخلاق رهبری بیان می‌کنند: «مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش هستند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) این، یک مشی اعتدالی آشکار در سیره امام علی (ع) است. در وجه این قاطعیت و تندی در کلام امام می‌توان گفت اساساً جنس ایمان با محبت و دوستی سازگار و با تحمیل و جبر مانع‌الجمع است.

### ۲- پذیرش تنوع و تکثر اندیشه

تکثر‌پذیری مبتنی بر اصول منطقی و عقلایی، از راهبردها و استلزامات مهم تربیتی در اعتدال جامع قرآنی به شمار می‌آید، در مقابل انحصارطلبی، تحکم و برتری‌جویی، عامل اصلی اختلاف، در میان انسان‌ها به ویژه در عرصه‌های کلان اجتماعی است. لزوم پیروی از سخن حق، امکان شنیدن صداهای گوناگون است: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (قرآن الحکیم، زمر: ۱۸).

کرده‌اند (جانشین خدا، مسجود فرشتگان، امانت‌دار الهی) و برخی دیگر انسان را شدیداً نکوهش (طغیانگر، حریص، نادان، کم‌طاقت، بخیل، شتابگر، مجادله‌گر، ستمگر، پست‌تر از چارپایان و بدترین جنبنده روی زمین). برای رفع این مسئله می‌بایست کرامت را به دو نوع ذاتی و اکتسابی تقسیم کرد: یک قسم کرامت، «ذاتی» است که از خلقت خاص انسان نشئت گرفته و حالتی بالقوه دارد و در هنگام آفرینش، خداوند در ذات انسان به ودیعه نهاده است. قسم دیگر کرامت، «اکتسابی» است که مبتنی بر افعال انسان است و حاصل تلاش و مجاهدت انسان در نشئه دنیوی است و با کسب تقوا و اعمال صالح حاصل می‌شود.

به عبارتی در قرآن وصف کرامت انسان گاه مبتنی بر ذات و گاه مبتنی بر افعال است. در جنبه نخست همه انسان‌ها به یکسان فارغ از هر گونه تبعیضی از آن برخوردارند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (قرآن الحکیم، اسرا: ۷۰) چنانچه اطلاق واژه بنی آدم در تکریم الهی، شمول کرامت را برای همه انسان‌ها ثابت می‌کند (۹، ۳۹) اما کرامت در جنبه دوم دائمی نیست و سلب شدنی است. البته باید به این نکته توجه داشت که ذاتی بودن کرامت به معنای فلسفی و از باب ایساغوجی نیست که جزء لاینفک و جدانشدنی وجودی انسان باشد بلکه به معنای فطری بودن است که در تعبیر قرآنی با اضافه تشریفی «مِن رُوحِ» (قرآن الحکیم، حجر: ۲۹) روح انسان به خداوند منسوب شده است (۹).

مراد از کرامت ذاتی، برتری آدمی به لحاظ وجودی و شرافت او از حیث تکوینی در نظام آفرینش است. مفاد کرامت ذاتی آن است که انسان در هستی دارای مرتبه و بهره وجودی کامل‌تر و آثار وجودی بیشتر و شدیدی نسبت به سایر هستنده‌ها می‌باشد. این امری اعطایی است و همراه با آفرینش انسان به او داده شده است. از این رو گرایش‌های بسیاری مانند علم جویی، حقیقت‌طلبی، فضیلت‌خواهی و کمال‌گرایی به‌منزله حقایق مشترک در میان همه انسان‌ها وجود دارد. در انسان‌شناسی اسلامی با استناد به آیات قرآن حکیم مبنی بر دمیده شدن روح الهی در آفرینش بشر و احادیث نبوی پیامبر (ص) که خدا آدم را بر صورت خویش آفرید او به عنوان خلیفه‌الله بر مخلوقات دیگر نوعی قیومیت دارد (۴۰).

پس نگاه ویژه قرآن به انسان به نوع آفرینش او باز می‌گردد و تکریم انسان بر مبنای این ویژگی‌ها و استعدادها منحصر به فرد آفرینش انسان در میان مخلوقات الهی است و نکوهش از انسان در برخی از آیات به جهت استفاده نادرست او از این نعمت‌ها است (۴۱).

از آنجا که تفکر صدرایی، حاصل همبستگی فلسفه و عرفان و وحی است. به جایگاه انسان در نظام آفرینش توجه ویژه شده است. به‌گونه‌ای که در نگرش صدرایی چون انسان، خلیفه خدا در طبیعت است «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (قرآن الحکیم، بقره: ۳۰) کانونی بودن و محوریت او در طول صفات جمال و جلال الهی مورد توجه قرار گرفته و همه ابعاد وی از جمله شئون اجتماعی و سیاسی او در این الگوی متوازن و معتدل مطرح می‌شود. ظاهر آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (قرآن الحکیم، اسرا: ۷۰) به روشنی بیانگر کرامت ذاتی انسان-در معنای ذکر شده- است یعنی اینکه انسان فی‌نفسه صرف نظر از آنکه پیرو

نمود بارز مفهوم علو و شرافت در معنای کرامت است؛ بنابراین واژه کرامت چنان گستره معنایی دارد که اگر قرینه خاصی نداشته باشد شامل بسیاری از حسنات و خیرات می‌شود. مدنظر داشتن کرامت انسانی از استلزامات مهم تربیت اعتدالی است. چنانچه بیان شد اعتدال در این مقاله با رویکرد «توازن و تشکیک» تفسیر شده است که از دست نرفتن کرامت در امر تربیت لازمه آن است.

واژه کرامت و مشتقات آن ۴۷ مرتبه در قرآن به کار رفته است. انسان در کنار خداوند، فرشتگان و قرآن موصوف به این صفت عظیم واقع شده است (۳۲) به تعبیر مولوی «حق تعالی فرمود و لقد کرّمنا بنی آدم نگفت کرّمنا السماء و الارض» (۳۳) بسیاری از مفسران به نعمت عقل به عنوان بعد چرایی و معنای بارز این کرامت اشاره کرده‌اند زیرا همه توانمندی‌ها، ناشی از وجود عقل است (۲۹، ۳۴).

به باور برخی اندیشمندان محور تعلیم و تربیت دین الهی و اساس تعلیمات آسمانی بر کرامت انسان نهاده شده است (۳۵-۳۶) وقتی تربیت بر اساس کرامت باشد و همه امور تربیتی صورتی از کرامت انسانی بیاید میل به کرامت در آدمی از درون جوانه می‌زند. تالی این مقدم این است که انسان کریم خود را برتر از آن می‌بیند که به زشتی‌ها و حرام‌ها که پستی آور است روی آورد یا تن به شهواتی دهد که نزد او خوار است و با ارتکاب گناه و نافرمانی خدا، پروردگاری را که کریم‌ترین است و کرامت موهبت اوست کنار گذاشته و کرامت خود را زیر پا گذارد (۳۷). در مبانی نظری تحول بنیادین نیز آمده: «باید در فرآیند تربیت، کرامت ذاتی همه افراد مرتبط با این جریان حفظ و زمینه ارتقای آن فراهم گردد؛ بنابراین لازم است همه فعالیت‌های تربیتی چنان سامان یابند که نه تنها کرامت ذاتی همه افراد مرتبط با تربیت حفظ شود بلکه لازم است همه افراد با احساس ارزشمندی و عزت نفس، زمینه پاسداشت کرامت خود و دیگران را فراهم آورند» (۱۱).

ملاصدرا به عنوان حکیمی شیعی که در ابعاد نظری و عملی نگاهی جامع به هستی، خدا و انسان دارد در باب نسبت میان نظر و عمل و فکر و اراده، نظریه‌ای بدیع ارائه داده است به نحوی که در فلسفه‌ی او با نوعی وحدت میان واقعیت و شهود از یکسو و عقل و وحی از سوی دیگر مواجه می‌شویم به‌گونه‌ای که ملاصدرا در مقام تبیین نظریات فلسفی خود نظامی جدید و جامع بنیان نهاده است که در پرتو آن، عقلانیت، معنویت و کرامت انسانی تفسیر واحد و هماهنگی یافته‌اند.

تفکر فلسفی از نوع صدرایی، نگرشی منطقی-عقلایی به آموزه‌های دینی دارد. بر اساس آنکه در این نگرش ارتباط انسان با خدا از سنخ ارتباط یک «وجود رابط» به وجود مستقل است در اینجا یک کرامت و حق ربط پدید می‌آید یعنی همان‌گونه که ما وجود ربطی داریم، حق رابط هم داریم این حق ناشی از ارتباطی است که با خداوند وجود دارد و این ارتباط برای او یک «سلسله کرامت‌ها» و حقوق خاصی به وجود می‌آورد که هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند آن‌ها را از او بگیرد به همین دلیل است که کرامت، ذاتی انسان می‌شود (۳۸).

البته در نگاه جامع به آیات قرآنی در وصف انسان در وهله اول با نوعی دوگانگی مواجه می‌شویم: برخی آیات انسان را قویاً ستایش

است و دیگری ناقص، باز هم هر دو از یک حقیقت بهره‌مندند، که مابه‌الاشتراک آن‌هاست؛ فقط امر کامل در مقایسه با امر ناقص، بهره بیشتری از همان حقیقت دارد. نبود اعتدال در ساحت اجتماعی و سیاسی باعث دو قطبی شدن جامعه خواهد شد. وجود اعتدال جامعه را طیفی می‌کند و فرصت‌های برابر را به وجود می‌آورد. نگرش تربیتی اعتدالی در ساحت اجتماعی و سیاسی ایجاب می‌کند بستر و شرایط رشد طیف متوسط جامعه فراهم شود، در غیر این صورت، قدرت‌گیری هر یک از قطب‌های بالا و پایین، عامل برهم زدن توازن اجتماعی خواهد بود. رعایت الزامات اعتدال با نگاه تشکیکی در عرصه سیاست و اجتماع باعث می‌شود، بیماری‌های اجتماعی سیاسی بدون نیاز به جراحی و تحول انقلابی به تعادل و سلامت برسد.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) و تمامی کسانی که در طول اجرای این پژوهش ما را یاری کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

## References

1. Dehkhoda, Aliakbar. Dictionary, Tehran: University of Tehran. 1373.
2. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. Al-Mufardat Fajad Al-Qur'an, Beirut: Al-Dar al-Shami. 1412 AH.
3. Naqibzadeh, Mir Abdul Hossein. A look at the philosophy of education, 35th edition, Tehran: Tahuri. 2019.
4. Motahari, Morteza. Education and training in Islam, 4th edition, Tehran: Sadra. 1382.
5. Howarth, David. Discourse analysis, London: sage publications. 2000.
6. Amid, Hassan Farhang Farsi Omid, Tehran: Amirkabir. 1375.
7. Caplestone, Frederick Charles. History of Philosophy: Greece and Rome, translated by Seyyed Jalaluddin Mojtabei, 9th edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications. 1391.
8. Lotfi, Mohammad Hassan, Aristotle's Nikomachus Ethics, Tehran: New Plan. the right 1378: 36-57.
9. Al-Qur'an al-Hakim
10. Kardan, Ali Mohammad, Alireza Arafı, Mohammad Jaafar Paksarsht, Aliakbar Hosseini and Hossein Irani.

دین خاصی باشد یا نباشد، از این کرامت الهی برخوردار است. علامه طباطبائی تصریح کرده است که مراد از بنی آدم در این آیه جنس و عموم بشر است تا آنجا که این کرامت حتی عموم مشرکین و کافران و فاسقان را نیز شامل می‌شود (۲۵).

چنانچه ذکر شد این کرامت بر یک سلسله مفاهیم و ارزش‌های بنیادین دینی و فطری، یعنی آزادی، اراده، اختیار، به ویژه داشتن وجهه و فسخه الهی که نمود آن قوه تعقل آدمی است بنیان شده است. البته پیامد مهم این کرامت در نگاه اعتدالی به ویژه در حوزه اجتماع و سیاست را باید در نفی خشونت و تحمیل‌گری دانست؛ زیرا هنگامی که بپذیریم انسان گوهری کریم و ارزشمند است خواه ناخواه بر این باور خواهیم بود که نه تنها امنیت، عدالت، آزادی و ... حق اوستند بلکه این ارزش‌ها باید به گونه‌ای تفسیر و تنظیم شوند که با کرامت وی سازگار باشند (۴۲).

با توجه به اینکه خداوند انسان را گرامی داشته و برای او ارزش و احترام قائل شده است. مریب نیز باید با متریب با بزرگداشت و احترام رفتار کند و شخصیت و عزت او را همواره مدنظر گیرد به گونه‌ای که بعد «ذاتی» کرامت انسانی «حفظ» شود و هم‌چنین زمینه‌ی «ارتقاء» بعد کرامت «اکتسابی» فراهم آید. از لوازم کرامت در مناسبات اجتماعی و سیاسی، ممنوعیت رفتار ذلت‌زا و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه اجتماعی و سیاسی ضمن داشتن تفکرات متنوع و متکثر است رواج این بینش و منش اعتدالی و متوازن، جامعه را به جامعه‌ای تکامل‌یافته تبدیل می‌کند.

## نتیجه‌گیری

سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای تربیتی در صورتی راهبر به سوی اهداف تربیتی است که تابع «اعتدال» باشد. اساساً تربیت خردمندانه تربیتی است که مبتنی بر حفظ اعتدال در همه امور و پرهیز از افراط در همه شئون باشد. ضرورت رعایت اعتدال در حوزه کلان اجتماعی و سیاسی بیشتر از سایر حوزه‌ها قابل احساس است. از این رو در این مقاله به واکاوی استلزامات تربیتی با نگاه اعتدال قرآنی در این حیطه پرداختیم. با بررسی آیات قرآن مشخص می‌شود که راهبرد اعتدال یکی از راهبردهای تربیتی خطیر در اسلام است اصل اعتدال به عنوان کانون گفتمان قرآنی مهم‌ترین اصلی است که بر سایر دال‌های قرآنی سایه انداخته و آن‌ها را به هم متصل می‌کند. پرسش اصلی مقاله واکاوی استلزامات تربیتی اعتدال قرآنی در ساحت اجتماعی و سیاسی بود. در جستار پیش رو با به کار بستن چارچوب نظری تشکیک ملاصدرا ضمن بررسی آیات قرآنی مرتبط، «عقلانیت محوری» و تکیه بر «کرامت انسانی» را به عنوان دو لازمه مهم اعتدال قرآنی در عرصه اجتماعی و سیاسی مورد واکاوی قرار دادیم. «عدم تحمیل عقیده» و عنایت به «تنوع و تکثر اندیشه» در جامعه را نیز به عنوان دو جلوه مهم عقلانیت محوری مورد بررسی قرار دادیم. ذومراتب بودن پدیده‌ها با دامنه‌ای از کمال و نقص و نه کمال و نفی، برخورداری آن‌ها از کثرت در عین وحدت، می‌تواند به روشنی با مفهوم در معنای توازن، میانه‌روی و گریز از افراط و تفریط و قطبیت، سنخیت و موضوعیت پیدا کند. وقتی بپذیریم در عمده مسائل اجتماعی هنگامی که که میان دو امر، اختلاف بروز می‌کند حتی با قبول اینکه میان این دو یکی کامل

24. Mulla Sadra, Muhammad bin Ibrahim. Mofatih al-Ghaib, Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation. 1368.
25. Afzali Qadri, Mena and Sosan Keshavarz. Educational principles of rational reasoning based on Quranic teachings, research on Islamic education issues. 1401; 29 (51): 5-31.
26. Tabatabaei, Mohammad Hossein. Badayeh al-Hikmah, translated and explained by Ali Shirvani, 6th edition, Qom: Dar al-Fikr. 1391.
27. Gotek, Gerald L. Philosophical schools and educational opinions, translated by Mohammad Jaafar Paksarsht, 18th edition, Tehran: Samt. 2018.
28. Hosseinizadeh, Mohammad Ali. Political Islam in Iran, Qom: Mofid University. 1386.
29. Fakhrazi, Mohammad bin Omar. Mofatih al-Ghaib, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi. 1420 A.H.
30. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. Lasan al-Arab, Beirut: Dar Ahya Al-Tarath al-Arabi. 1408 A.H.
31. Qureshi, Aliakbar. Qur'an Dictionary, Vol. 6, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. 1372.
32. Abdulbaghi, Mohammad Fouad. Al-Mufahrs Al-Qur'an al-Karim, second edition, Cairo: Dar al-Hadith. 1364.
33. Molavi, Jalaluddin Mohammad Balkhi. Fieh Ma Fieh, third edition, Tehran: Tirgan, 2015.
34. Shukani, Muhammad bin Ali. Fath al-Ghadir, Beirut: Dar Ibn Kathir. 1414 A.H.
35. Javadi Amoli, Abdullah. Dignity in the Qur'an, Qom: Raja Cultural Publishing Center. 1367.
36. Motahari, Morteza. Collection of works, Tehran: Sadra. 1386.
37. Dilshad Tehrani, Mustafa. Mehr School: Educational principles in Nahjal Balagha, 4th edition, Tehran: Darya. 2018.
38. Ayatollahi, Hamidreza. Dignity and Human Rights in "Collection of Selected Papers of the 16th Hakim Mulla Sadra Philosophy of education, 14th edition, Tehran: Semit. 2015.
11. Document of the fundamental transformation of education. Supreme Council of Cultural Revolution, Ministry of Education and Supreme Council of Education: Mashhad. 1390
12. Gottlieb, Paula. The Virtue of Aristotle's Ethics, Cambridge University Press, New York. 2018.
13. Jami, Abdul Rahman. Al-Dara Al-Fakhera, Tehran: Institute of Islamic Studies, University of Tehran. 1358.
14. Ebrahimi Dinani, Gholamhossein. Radius of thought and intuition in Sohrvardi's philosophy, Tehran: Hikmat. 2018.
15. Tabatabaei, Mohammad Hossein. The principles of philosophy and the method of realism, twenty-second edition, Qom: Sadra. 2012.
16. Mulla Sadra, Muhammad bin Ibrahim. Al-Hikma al-Muttaaliyyah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Arbaeh, Beirut: Dar al-Ahiyya al-Trath al-Arabi. 1981.
17. Tabatabaei, Mohammad Hossein. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Scientific Institute for Press. 2013.
18. Mulla Sadra, Muhammad bin Ibrahim. Sharh al-Hidayeh al-Athiriyya, Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Institute. 1422 A.H.
19. Mulla Sadra, Muhammad bin Ibrahim. Al-Shawahid al-Rubabiyyah fi Al-Manahaj al-Salukiyya, corrected and researched and introduced by Seyyed Mustafa
20. Ibn Sina, Hussein bin Abdul. Al-Shafa, Qom: Ayatollah Marashi School. 1405 AH
21. Ibn Faris, Ahmad. Ma'jam Maqaees al-Lagheh, Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. 1404 AH
22. Imam Ali. Nahjalbalagha, translated by Mohammad Dashti, third edition, Qom: Faraiz. 1383.
23. Shariatmadari, Ali. Principles and philosophy of education, 73rd edition, Tehran: Amirkabir. 2019.

Conference: Man and the World", Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation. 1391.

39. Alousi, Mahmoud bin Abdullah. *Ruh al-Ma'ani in Tafsir al-Qur'an al-Azeem and Al-Saba al-Mathani*, Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya. 1415 AH

40. Nasr, Seyyed Hossein. *Knowledge and Spirituality*, translated by Inshallah Rahmati, Tehran: Sohrvardi Research and Publishing Office. 1385.

41. Behrooz, Samad and Mohammad Ali Rezaei Esfahani. Commentary on the verse of dignity and solving its apparent conflict with human's reprehensible qualities, *Tafsir studies*. 2015; 7 (26):117-136.

42. Javadi Amoli, Abdullah. *The true life of man in the Qur'an*, Qom: Isra'a. 1386.